



سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران - 1 / فروردین / 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

به همه‌ی شما بینندگان عزیز و کسانی که این عرایض را خواهید شنید، تبریک عرض میکنم و سخنان خود در این روز شروع سال و شروع قرن را مزین میکنم به نام و یاد حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه) که خود ایشان بهار دلها و طراوت دور آنها است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْعَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عَدَا غَيْرِ مَكْذُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْتُلُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهْلِلُ وَ تَكْبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ. (۱)

این سوّمین نوروزی است که این بنده از فیض حضور در جوار بقعه‌ی مبارک حضرت علی بن موسی الرضا (سلام الله و صلوات الله علیه) محروم؛ از حضور در مقابل جمع پُرشور زائران آن بزرگوار، از مسافر و مجاور، محروم هستم؛ لذا سلامی از این دور عرض میکنیم و درودی میفرستیم. اللهم صلّ علی ولیک علی بن موسی الرضا عدد ما فی علمک صلاةً دائمةً بدوام ملکک و سلطانک. اللهم سلّم علی ولیک علی بن موسی الرضا علیه السلام عدد ما فی علمک سلاماً دائماً بدوام مجدک و عظمتک و کبریاک.

درباره‌ی نوروز ایرانی در اوّل سال و این عید بهاری نکاتی وجود دارد که گاهی عرض کرده‌ایم؛ یک نکته که امروز مایلیم آن را عرض بکنم، آمیختگی این عید ملی با ذکر و نیایش و دعا و معنویّت است. این [قضیه] شاید در بین اعیاد اوّل سال در بین ملتها چیز کم‌نظیری [باشد] - بنده البته اطلاع زیادی ندارم، [اما] بعید میدانم - یا کم‌نظیر است یا بی‌نظیر است که مردم عید ملی را همراه میکنند با دعا و ذکر و نیایش و معنویّت و اظهار ارادت به ساحت پروردگار. دیشب در لحظه‌ی تحویل سال، تقریباً همه‌ی آحاد مردم و قشرهای مختلف، سالخوردگان، برجستگان، دانشمندان، فعالان عرصه‌های گوناگون علمی - عرصه‌ی موشک، عرصه‌ی نانو، عرصه‌ی زیست‌شناسی و غیره - تا جوانان وارد در اردوهای جهادی که عید را در روستاهای دورافتاده میگذرانند و از خانواده‌ها دورند برای خدمت به مردم، همه و همه این لحظه‌ی تحویل را با «یا مُحَوَّلَ الحَوْلِ وَ الاحوال» آغاز کردند؛ با خدا سخن گفتند و از خدا طلب کردند و دل خود را با یاد خدا شستشو دادند؛ این یک نکته است.

یک نکته‌ی دیگر در باب نوروز، ذوق و سلیقه‌ی ویژه‌ی ایرانی است که در آن، انسان احساس ژرف‌اندیشی میکند: بهار را آغاز سال خود قرار دادن. بهار مظهر امید است، پیام‌آور امید است؛ بهار به انسان میگوید که خزان و برگ‌ریزان حتماً رفتنی است و طراوت و نوسازی و نوگرایی حتماً آمدنی است؛ این، خصوصیت بهار است. یک چنین پیامی را به مردم میدهد: پیام طراوت، پیام رویش. البته این امید، امسال مضاعف هم بود، به خاطر همراهی با نیمه‌ی شعبان که روز نیمه‌ی شعبان هم روز تولد امید بزرگ تاریخ و امید بزرگ بشریت است؛ و امید، منشأ همه‌ی حرکتها و پیشرفتهای است. من همین جا از این فرصت استفاده کنم و این را عرض کنم: کسانی که برای مردم سخن



میگویند، پیام میفرستند، مینویسند، تلاش میکنند، هر چه میتوانند در مردم، امید ایجاد کنند؛ امید عامل مهم حرکت، عامل مهم پیشرفت است. بحمدالله خدای بزرگ برای ملت ایران موجبات امید را هم فراهم کرده؛ زمینه‌های امید در بین ملت ما و کشور ما بحمدالله کم نیست. بگذارید دشمنان از امیدواری ملت ایران به خشم بیایند، و ان شاءالله امید روزبه‌روز در دل ملت ایران افزایش پیدا کند.

امروز عرض ما در درجه‌ی اول در زمینه‌ی مسائل اقتصادی است که من دیشب پیام سال را و شعار سال را عرض کردم و درباره‌ی آن مقداری توضیح میدهم. البته مطالب دیگری هم هست که اگر وقت بود، مجال بود، ان شاءالله عرض خواهیم کرد. علت اینکه ما بحث اقتصادی را در این روز اول سال مطرح میکنیم، اولاً به خاطر اهمیت مسئله‌ی اقتصاد است؛ یعنی واقعاً اگر در کشور [رشد] اقتصادی همراه با عدالت به وجود بیاید، همه‌ی زمینه‌های پیشرفت فعال خواهد شد و کشور به پیشرفت واقعی خواهد رسید؛ یعنی اقتصاد یک چنین نقش محوری دارد. ثانیاً ما در این ده سال گذشته، در دهه‌ی ۹۰، در واقع مواجه بودیم با انباشت چالشهای اقتصادی که خب انسان بایستی از اینها به یک نحوی خلاص بشود. باید ان شاءالله درباره‌ی مسائل اقتصادی درست فکر کرد، درست عمل کرد و حرکت کرد تا برای ملت وسایل آسایشی در این زمینه ان شاءالله به وجود بیاید. بنابراین ما بحث اقتصادی را از این جهت مطرح میکنیم.

در اقتصاد هم مسئله‌ی عمده عبارت است از تولید ملی که اجمالاً عرض کردیم و من در این سه چهار سال اخیر در شعار سال مسئله‌ی تولید را تکرار کردم و البته دولتها و مسئولین به قدر توان خودشان، به قدر همّت خودشان، با توجه به شرایط بین‌المللی کارهایی انجام دادند؛ آن مقداری که توانستند کارهایی انجام داده‌اند، تلاشهایی کرده‌اند ولیکن به نظر من امروز مسئله‌ی اصلی ما، مسئله‌ی اصلی مسئولین اجرائی کشور و کسانی که به نحوی در این مسائل، در اداره‌ی کشور دخالت دارند، عبارت است از اقتصاد. خب، رویکردهای جدیدی هم انسان مشاهده میکند که انسان را دلگرم میکند؛ یعنی اگر ان شاءالله این رویکردهای مردمی و حضور مردمی به نحو مناسبی ادامه پیدا بکند، این دلگرم‌کننده است و نشانه‌هایی برای امید بیشتری در انسان به وجود می‌آورد.

یک نکته را من اینجا عرض بکنم و آن اینکه در زمینه‌ی اقتصاد، آنچه بنده مطرح میکنم، مطالباتی که مطرح میشود، عمدتاً خطاب به مسئولان کشور است؛ عمده در قوه‌ی مجریه، مقداری هم قوه‌ی مقننه و حتی قوه‌ی قضائیه و بعضی دستگاه‌های وابسته؛ عمدتاً خطاب به اینها است. چرا این مسائلی را که مربوط به اینها است ما در فضای عمومی و در سخنرانی مردمی کشوری مطرح میکنیم؟ علت این است که خوب است مردم در فضای عمومی مسائل اقتصادی و سیاستهای اقتصادی قرار بگیرند، مطالبات این حقیر را هم بدانند و از مسئولینی که به این مسائل اقدام میکنند و فعالیت میکنند حمایت کنند، پشتیبانی کنند. البته وظایفی هم بر عهده‌ی خود مردم است که حالا من امروز که [مطالبی] عرض میکنم در مورد اقتصاد دانش‌بنیان، کاملاً روشن میشود که یک کارهای مهمی هست که خود مردم، بخصوص خود جوانها بایستی انجام بدهند. و البته این گفتار عمومی شاید موجب میشود که دستگاه‌ها هم پشتیبانی بیشتری و بهتری از این مسائل بکنند.

حرف امروز من این است که برای رشد اقتصاد کشور و اصلاح امور اقتصادی کشور، به طور قاطع باید به سمت اقتصاد دانش‌بنیان حرکت بکنیم؛ خلاصه‌ی عرض امروز ما این است. «اقتصاد دانش‌بنیان» یعنی چه؟ یعنی اینکه دانش و فناوری پیشرفته نقش آفرینی فراوان و کاملی داشته باشد در همه‌ی عرصه‌های تولید. «همه‌ی عرصه‌های



تولید» که عرض میکنیم، یعنی حتی انتخاب آن کار تولیدی؛ چون لزومی ندارد که انسان همه‌ی کارهای تولیدی را انجام بدهد. انتخاب آن کار تولیدی هم [باید] برخاسته‌ی از نگاه دانشی و بینشی و علمی باشد؛ این معنای اقتصاد دانش‌بنیان است که در همه‌ی عرصه‌های اقتصاد دخالت داشته باشد. اگر ما این سیاست را دنبال کردیم و دانش را پایه و زمینه‌ی اقتصاد کشور قرار دادیم و بنگاه‌های اقتصاد دانش‌بنیان را افزایش دادیم – که بعد عرض میکنم – منافع زیادی برای کشور و برای اقتصاد کشور خواهد داشت: هزینه‌ها را کاهش میدهد؛ یعنی اقتصاد دانش‌بنیان موجب کاهش هزینه‌های تولید میشود؛ بهره‌وری را افزایش میدهد که امروز یکی از مشکلات ما کاهش بهره‌وری است؛ کیفیت محصول را افزایش میدهد، بهبود میبخشد و محصولات را رقابت‌پذیر میکند؛ یعنی در بازارهای جهانی، ما میتوانیم از این محصولات به عنوان محصولات رقابت‌پذیر استفاده کنیم، در داخل کشور هم همین جور؛ یعنی در داخل کشور هم، ولو ما در مورد واردات هم خیلی تعرفه نگذاریم و واردات سرازیر بشود، وقتی محصول داخلی کیفیت بهتری داشت، قیمت ارزان‌تری داشت، مردم طبعاً به آن اقبال میکنند؛ یک چنین خصوصیتی در تولید دانش‌بنیان وجود دارد.

من اگر بخواهم از باب نمونه مثال بزنم، مسئله‌ی کشاورزی را مثال میزنم که متأسفانه بخش کشاورزی از عرصه‌ی دانش‌بنیان یک مقداری دورتر از بخشهای صنعت و خدمات و مانند اینها است. اگر ما در کشاورزی، شرکتهای دانش‌بنیان را افزایش بدهیم و دانش را در مسئله‌ی کشاورزی به‌کارگیری کنیم، میتوانیم در امر اصلاح بذر – که خیلی در تولید محصول کشاورزی مهم است – در مورد آبیاری نوین، در مورد شیوه‌های جدید تولید، در مورد بهره‌وری بهتر از آب و خاک – که آب و خاک دو محصول ارزشمندند که قبلاً هم اشاره کردیم – (۲) میتوانیم حداکثر استفاده را بکنیم، بهره‌وری ما را افزایش بدهیم و اینها را اصلاح کنیم. وقتی که در کشاورزی توانستیم این پیشرفتهای را به وجود بیاوریم و تحوّل جدی ایجاد بکنیم، این موجب میشود که اولاً امنیت غذایی کشور حاصل بشود و به دست بیاید، یعنی کشور از لحاظ مسائل غذایی هیچ وقت دچار مشکل نشود، هیچ نگرانی‌ای وجود نداشته باشد؛ ثانیاً درآمد کشاورزان افزایش پیدا کند؛ خیلی خوب است که درآمد کشاورزان ما افزایش پیدا بکند و به کشاورزی دلگرم بشوند و ادامه بدهند، [که این] محصول فوق‌العاده باارزشی است؛ همچنین معضل کمبود آب را میشود حل کرد. در کشور ما آنچه معروف است و آنچه به طور معمول گفته میشود – که بنده البته نظراتی در این زمینه دارم – این است که ما دچار کمبود آب هستیم؛ خب اگر کشاورزی ما دانش‌بنیان شد، مشکل کمبود آب هم حل خواهد شد. مثلاً در باب کشاورزی این را من به عنوان نمونه ذکر کردم.

در همه‌ی بخشهای دیگر هم – چه بخشهای مربوط به تولید، چه بخشهای مربوط به خدمات – همین برکات وجود دارد؛ یعنی حجم محصول افزایش پیدا میکند، کیفیت بالا میرود، قیمت تمام‌شده کاهش پیدا میکند؛ در واقع دانش‌بنیان کردن تولید، بهره‌وری فعالیتهای اقتصادی را ارتقاء میدهد؛ این امر مهمی است، یک نقطه‌ی حسّاس و اساسی‌ای است. همان طور که قبلاً اشاره شد، یکی از مشکلات کشور کاهش بهره‌وری است؛ یعنی به تناسب آن مقداری که هزینه مصرف میکنیم، از این هزینه‌مان بهره‌برداری نمیکنیم؛ در بخشهای مختلف همین جور است؛ بهره‌وری در کشور کم است. من به مردم عزیزمان راجع به شدت [مصرف] انرژی در همین سخنرانی اول سال، چند سال قبل در مشهد (۳) عرض کردم که آن مقداری که ما برق مصرف میکنیم، به اندازه‌ی متناسب با این مصرف استفاده نمیکنیم؛ در دنیا به طور متوسط از ما جلو هستند؛ ما در زمینه‌ی بهره‌وری عقبیم. و در موضوعات دیگر هم همین جور است. اگر چنانچه ما به سمت دانش‌بنیان حرکت کردیم، این معضل مهم اقتصادی حل خواهد شد.



خب در باب دانش‌بنیان کردن تولید بحثهای فنی‌ای وجود دارد که بنده اهل تخصص آن هم نیستم، البته اطلاعاتی هست لکن لزومی ندارد آنها را در این جمع مردمی مطرح بکنم؛ اینها را مسئولان کشور، متخصصان این کار بایستی در جمعهای مرتبط با این مسئله مطرح کنند، دنبال‌گیری کنند تا ان‌شاءالله این قضیه به شکل خوبی حل بشود. من فقط به طور خلاصه عرض میکنم که رسیدن و دست یافتن به پیشرفت عادلانه در اقتصاد و حل مشکل فقر در کشور - که ما مشکل فقر و استضعاف مالی را در کشور خواهیم حل کنیم - فقط از مسیر تقویت «تولید» میگذرد؛ اگر ما تولید را تقویت کردیم که تقویت آن هم به همین دانش‌بنیان بودن است، این مقصود بزرگ ان‌شاءالله حاصل خواهد شد.

دو مطلب لازم را باید اینجا در این زمینه عرض بکنم که متناسب با این مسئله‌ی شرکتهای دانش‌بنیان است.

یک مطلب این است که ما شرکت دانش‌بنیان داریم لکن باید افزایش پیدا کند. مطلب دوم هم راجع به این است که این کار را میتوانیم بکنیم. ما در حال حاضر قدری کمتر از ۷۰۰۰ شرکت دانش‌بنیان داریم. تقریباً حدود ۶۶۰۰ یا ۶۷۰۰ شرکت دانش‌بنیان در کشور وجود دارد که از اینها نزدیک به ۴۵۰۰ [مورد]شان شرکتهای تولیدی‌اند؛ بقیه خدماتی و از این قبیل هستند. این تعداد حدود ۳۰۰ هزار اشتغال مستقیم ایجاد میکند، که خب نسبتاً رقم قابل توجهی است. البته آن کسانی که بنده سؤال کردم از آنها و پاسخ دادند، گفتند بیش از ۳۰۰ هزار است؛ حدس میزنند مثلاً ۳۲۰ هزار اشتغال مستقیم در این سال ۱۴۰۰ که گذشت ایجاد کرده؛ اشتغال غیر مستقیم خیلی بیشتر از اینها است. من پرسیدم که در ۱۴۰۱ چقدر میشود این مقدار را افزایش داد و تعداد این شرکتهای بیشتر کرد؟ به من گفتند حداکثر سی درصد. بنده قانع نیستم؛ من معتقدم سی درصد آن رقمی نیست که برای کشور مطلوب باشد و مورد نیاز کشور باشد و به نیازهای کشور جواب بدهد. توقع من از مسئولین این است که صد درصد افزایش پیدا کند، یعنی شرکتهای دو برابر بشود. بنابراین ۳۰۰ هزار اشتغال مستقیم تبدیل خواهد شد به ۶۰۰ هزار اشتغال مستقیم در سال ۱۴۰۱.

البته این [کار] موجب این نشود که ما یک شرکتی درست کنیم و اسمش را بگذاریم دانش‌بنیان، در حالی که دانش‌بنیان نباشد؛ نه، حقیقتاً شرکتهای دانش‌بنیان [درست شود]؛ باید همّت کنند مسئولین ما و این کار را انجام بدهند؛ بخصوص در بخشهایی که عقب‌ترند، مثل همین بخش کشاورزی که عرض کردیم. شرکتهای دانش‌بنیان در بخش کشاورزی، چهار درصد هم‌همی شرکتهای دانش‌بنیان ما است. چهار درصد از این شرکتهای مربوط به بخش کشاورزی است که بخش کشاورزی این همه هم‌همه‌ها هم حائز اهمیت است، که من اشاره کردم. مسئله‌ی کشاورزی مهم است، مسئله‌ی دامداری بسیار مهم است و کشور در محصولات پایه‌ی غذایی بایستی به امنیت کامل و به خودکفائی لازم حتماً دست پیدا کند. ما بایستی در مورد گندم، در مورد خوراک دام - ذرت، جو، امثال اینها - و مواد اصلی تولید روغن به خودکفائی برسیم. باید در ذرت، در جو، در بقیه‌ی چیزهایی که کالاهای اساسی نامیده میشود، حتماً به خودکفائی برسیم؛ و میتوان این کار را کرد. کشور بزرگ است، زمینه‌های زیادی هست، ما دشتهای حاصلخیز زیادی داریم. در بخشهای مختلف کشور دشتهای حاصلخیز داریم، اگر روی اینها کار کنیم، که بنده در چند سال قبل از این (4) در مورد خوزستان یک اقدامی را تشویق کردم، تحریر کردم، که در مورد خوزستان و مقداری در ایلام انجام گرفت، مقداری در سیستان انجام گرفت. البته آن مقداری که خواسته بودیم و قول داده شده بود، نشد اما خب یک مقداری خوب بود. میتوان این را توسعه داد، میتوان این کار را انجام داد؛ ما دشتهای حاصلخیز خوبی داریم، این دشتهای را باید صرف کنیم برای [تأمین] کالاهای اساسی.



من این را عرض بکنم؛ رئیس‌جمهور محترم، جناب آقای رئیسی به من میگفتند که در یکی از سفرهایی که ایشان به خارج از کشور داشته، مسئولین آن محل به ایشان میگویند که شما هر چه هندوانه و گوجه‌فرنگی و امثال اینها داشته باشید و تولید کنید، ما از شما میخریم؛ ایشان با تعجب میگویند که شما خودتان زمین دارید، آب دارید، این همه امکانات کشاورزی دارید، زمین حاصلخیز دارید، چطور میخواهید از ما هندوانه و مثلاً گوجه‌فرنگی بخرید؟ او میگوید نه ما این زمینها را صرف گوجه‌فرنگی و هندوانه نمیکنیم؛ این زمینها مال گندم است، مال ذرت است، مال علوفه است؛ این [حرف] درست است. البته بنده نمیگویم هندوانه یا مثلاً فرض کنید که سبزی و گوجه و این حرفها نکاریم؛ همه‌ی اینها لازم است، لکن ما بایستی از این امکاناتی که در کشور وجود دارد، در درجه‌ی اول مواد غذایی مهم و اساسی، کالاهای اساسی را [تولید کنیم]؛ بایستی بیشترین امکان کشور را از اینها بتوانیم تهیه کنیم.

این را هم من عرض بکنم، مردم عزیزمان بدانند اینکه این قدر ما در نان اسراف میکنیم، چقدر نان دور ریخته میشود، اینها بدانند که بخش کشاورزی ما متأسفانه جزو وابسته‌ترین بخشهای کشور به واردات است؛ جزو وابسته‌ترین بخشهای کشور به واردات بخش کشاورزی است؛ و بیش از حد [هم] هست؛ که این حتماً بایستی تعدیل بشود و البته مبارزه با این وابستگی هم خیلی کار سختی است؛ چون عده‌ای از این واردات مواد کشاورزی از خارج، منافع بسیار بزرگی دارند؛ می‌ایستند. چند سال قبل از این، من به یکی از این وزرای کشاورزی در مورد "کلزا" که یکی از مواد اولیه‌ی تولید روغن نباتی است، گفتم این را دنبال کنید؛ ایشان -حالا تفصیلاتی دارد خلاصه‌اش این بود که- [گفت] نمیگذارند؛ میگویند ما بایستی مواد اولیه‌ی روغن را وارد بکنیم؛ یعنی نمیگذارند؛ شاید از عناصری هم در داخل وزارت، در داخل دستگاه‌های دولتی استفاده هم میکنند تا کارشکنی بشود؛ [اما] باید ایستاد، یعنی کار سختی است اما این کار سخت را حتماً بایستی انجام بدهند.

خب پس مطلب اولی که گفتم دو مطلب را میخواهیم عرض بکنیم، این است که تعداد شرکتهای دانش‌بنیان در مقایسه‌ی با نیازهای کشور کم است و باید افزایش پیدا کند، بخصوص در زمینه‌ی کشاورزی و البته در همه‌ی زمینه‌های دیگر؛ مسئولان باید همّت کنند و همّت مسئولان هم به این است که حمایت کنند؛ چون شرکتهای دانش‌بنیان مال مردم است؛ مردم، جوانها این شرکتهای را تشکیل میدهند لکن دستگاه‌ها بایستی از اینها حمایت بکنند؛ حمایت عمدتاً به این است که محصولات اینها را بخرند، استفاده کنند یا اگر امکاناتی لازم دارند، به آنها امکانات را بدهند. البته در گزارشی که به من داده شد، وزارتخانه‌هایی که این کمک را میکنند، اسم آورده‌اند؛ و وزارتخانه‌هایی [هم] که کمک نمیکنند و باید بکنند، آنها را هم مشخص کرده‌اند که حالا اینها را بایستی خود دولت محترم و رئیس‌جمهور محترم رسیدگی کنند؛ اینها خیلی به ما ارتباط پیدا نمیکند.

به هر حال میتوان تعداد شرکتهای دانش‌بنیان هر بخشی را یک شاخصی برای پیشرفت آن بخش در دولت دانست. مثلاً اگر چنانچه ما دیدیم شرکتهای دانش‌بنیان در مثلاً زمینه‌ی نفت و گاز و این صنایع پایین‌دستی اینها افزایش پیدا کرده، من باب مثال نمره‌ی بالایی به وزیر نفت بدهیم؛ یا اگر عکسش بود، بعکس. این به نظرم یکی از شاخصها است. این مطلب اول که باید شرکتهای دانش‌بنیان افزایش پیدا کند.

مطلب دوم اینکه این کار بحمدالله ممکن است، این کار ممکن است؛ نگویند که شما بایستی مثلاً فرض کنید که محاسبه کنید امکانات را؛ بله، امکانات لازم دارد لکن مهم‌ترین امکانات، نیروی انسانی است؛ ما از لحاظ نیروی انسانی خیلی دستمان باز است. من به شما عرض بکنم تعداد زیادی از عناصر تحصیل‌کرده‌های سطح بالای ما، یک

درصد بالایی - که این درصد را به من گزارش کرده‌اند - از کسانی که تحصیل کرده‌های سطح بالا هستند، در رشته‌های غیر تحصیلی خودشان مشغول کارند؛ چرا؟ میتوان اینها را در آن رشته‌های خودشان مشغول کار کرد، به اینها کمک کرد، پشتیبانی کرد تا بتوانند شرکتهای دانش‌بنیان را تشکیل بدهند؛ البته باید شناسایی کرد، باید دنبال کرد. ما افرادی داریم که امروز در کارهای بزرگ پیشرفت دارند؛ در حوزه‌ی فناوری‌های هسته‌ای، در مورد داروهای نو ترکیب، در مورد فناوری نانو، در مورد فناوری‌های زیست - زیست‌فناوری - در مورد سلول‌های بنیادی؛ اینها کارهای بزرگی است؛ ما در این زمینه‌ها این همه افراد برجسته داریم؛ خب این افراد برجسته را در زمینه‌های گوناگون دیگر هم میتوان سراغ گرفت و پیدا کرد و حتماً وجود دارند و نیروهای متخصص جوان در کشور ما بحمدالله یکی از ثروتهای بزرگ یا شاید بزرگ‌ترین ثروت موجود این کشور است که بحمدالله وجود دارد و میشود از دانش اینها، از همت اینها، از نیروی جوانی اینها به نفع ثروتمند کردن کشور استفاده کرد.

البته اینها بحثهای مربوط به شرکتهای دانش‌بنیان بود و دانش‌بنیان کردن تولید بود؛ بحث اشتغال‌آفرینی را هم من ذکر کردم که آن هم خیلی مهم است. اشتغال‌آفرینی با همین شرکتهای دانش‌بنیان به دست خواهد آمد؛ یعنی اگر ما به معنای واقعی کلمه بتوانیم این شرکتهای را تولید کنیم و به وجود بیاوریم که در این زمینه دچار خطاهایی که گاهی در گذشته شده‌اند نشویم، اشتغال هم زیاد خواهد شد. گفتیم خطاهای گذشته؛ ما در دولتهای مختلف طرحهایی با نامهای گوناگون داشتیم که تسهیلات بانکی را در اختیار افراد بگذاریم برای اینکه تولید بالا برود؛ تقریباً همه‌ی این طرحها ناموفق بود؛ همه‌ی این طرحها ناموفق بود. پول‌پاشی کردن و بی‌ملاحظه اقدام کردن به جایی نخواهد رسید؛ باید [این] کار خیلی با دقت و مطالعه و درست انجام بگیرد و فعالیت شرکتهای دانش‌بنیان به صورت زنجیره‌ای شکل پیدا بکند. البته این را هم من در ذهن داشته‌ام که بعضی از تصمیمهای اخیر که گرفته شده در مراکز تصمیم‌گیری ممکن است به برخی از شرکتهای کوچک و متوسط کشور ضربه بزند؛ نباید دولت اجازه بدهد و بانک‌ها اجازه بدهند که این ضربه وارد بشود؛ البته این [نکته] هست که به این بایستی توجه کنند.

خب موضوع اقتصاد را به صورت طولانی عرض کردیم که مهم هم هست. من سال گذشته در سخنرانی اوّل سال (5) این مطلب را مطرح کردم که اقتصاد کشور را با مسئله‌ی تحریمهای آمریکا یا امثال اینها گره نزنند؛ نگویند تا تحریم هست همین است؛ نه، با وجود تحریم آمریکایی‌ها هم میشود در زمینه‌ی اقتصاد پیشرفت کرد. خوشبختانه سیاستهای جدیدی که در کشور وجود دارد، نشان داد که این حرف درست است و همین کار را کردند؛ با وجود تحریمهای آمریکایی، هم میشود تجارت خارجی را رونق داد و افزایش داد که افزایش پیدا کرد، هم میشود وارد قراردادهای منطقه‌ای شد که بحمدالله دولت توانست و وارد شد، هم میشود در قضیه‌ی نفت و برخی دیگر از مسائل اقتصادی به پیشرفتهای و ارتقاهایی دست پیدا کرد، به وضعیتی بهتری رسید که بحمدالله اینها اتفاق افتاده، با اینکه تحریم آمریکا هم سر جایش هست. البته بنده به هیچ وجه نمیگویم که دنبال رفع تحریم نباشیم؛ نه، بارها هم گفته‌ایم کسانی که دارند تلاش میکنند و کار میکنند در این زمینه، اشکالی ندارد، دنبال کنند؛ لکن اساس قضیه این است که جواری حرکت کنیم، کشور را جواری اداره کنیم که تحریمها نتواند ضربه‌ی اساسی و مهمی به آن بزند. حالا تحریم ممکن است یک خدشه‌هایی ایجاد بکند اما نتواند یک ضرر بزرگ و زیان بزرگی را به اقتصاد کشور بزند؛ این به عهده‌ی مسئولین است که بایستی ان‌شاءالله این را انجام بدهند. من امسال هم همان توصیه را میکنم، امسال هم عرض میکنم که [مسائل کشور] به تحریم گره زده نشود.

امسال یک توصیه‌ی اضافه هم دارم؛ چون گفته میشود که حالا مثلاً قیمت نفت گران شده، درآمدهای نفتی افزایش



پیدا کرده، خب حالا با این افزایش درآمدهای نفتی چه کار می‌خواهیم بکنیم؟ دو جور میشود حرکت کرد: یکی اینکه نگاه کنیم بگوییم خب درآمد ارزی مان زیاد است، واردات را افزایش بدهیم، مردم رفاه پیدا کنند، آسایش پیدا کنند و مانند اینها؛ این [نگاه] البته ظاهر خوبی دارد، [اما] باطن بسیار بدی دارد؛ این ضایع کردن سرمایه‌های اساسی کشور است. یک راه دیگر هم این است که ما از درآمدهای نفتی برای زیرساخت‌های کشور، برای کارهای اساسی کشور استفاده کنیم؛ بنیانها را محکم کنیم که اقتصاد ریشه‌دار بشود در کشور و بتوانیم از آنها استفاده کنیم. این راجع به مسائل اقتصادی.

اما راجع به دیگر مسائل. خب دنیا خیلی مسئله‌های زیادی دارد و ما هم با مسائل عالم مواجه هستیم؛ در زمینه‌های مختلف، بایستی فکر کنیم و تدبیر کنیم، تصمیم‌گیری کنیم، حرکت کنیم و عمل کنیم. ملت ما وقتی به قضایای جاری امروز عالم نگاه میکند، وقتی شما نگاه میکنید به آنچه در دنیا دارد اتفاق می‌افتد، حقانیت ملت ایران را و صدق ملت ایران را در مقابله‌ی با جبهه‌ی استکبار از همیشه روشن‌تر و آشکارتر می‌بینید. انتخاب ملت ما در مقابله‌ی با استکبار تسلیم نبود، ایستادگی بود، عدم وابستگی بود، حفظ استقلال بود، تقویت درونی نظام و ملت و کشور بود؛ اینها تصمیمات ملّی است؛ این درست بود. وقتی نگاه میکنیم به قضایای عالم، می‌بینیم این [تصمیم] درست است. شما به قضایای افغانستان مراجعه کنید، ملاحظه کنید، نگاه کنید، کیفیت خروج آمریکایی‌ها [را ببینید]؛ اولاً بیست سال در افغانستان ماندند و چه کردند در این کشور مظلوم مسلمان؛ بعد هم چه جور بیرون رفتند و چه مشکلاتی را برای مردم به وجود آوردند؛ و اموال ملت افغانستان را هم به آنها نمیدهند! این افغانستان است؛ آن اوکراین است که رئیس‌جمهورش خطاب به غرب – که خود غربی‌ها و دولتهای غربی او را سر کار آوردند – چه لحن تندی را به کار میبرد؛ این قضایای یمن است و بمباران هرروزه‌ی مردم مظلوم و واقعاً مقاوم یمن؛ این کارهای عربستان است که در یک روز هشتاد نفر را گردن بزنند! هشتاد جوان را، حتی نوجوان را – آن طور که خبرهایش رسید – این قضایا را وقتی انسان نگاه میکند، احساس میکند که در دنیا چه ظلمی حاکم است؛ چه ظلمتی حاکم است در دنیا؛ دنیا دست چه گرگهای خونخواری است.

در ماجرای اوکراین، نژادپرستی غرب را همه دیدند. قطار پناهندگانی را که دارند از کشور و زیر مثلاً مشکلات جنگ فرار میکنند نگه میدارند، برای اینکه سیاه‌پوست را از سفیدپوست جدا کنند و سیاه‌پوست را پیاده کنند. صریحاً در رسانه‌هایشان اظهار تأسف می‌کنند که این دفعه جنگ در خاورمیانه نیست، در اروپا است. یعنی اگر جنگ و خونریزی و برادرکشی در خاورمیانه – البته در مناطق به قول آنها خاورمیانه – و در اینجاها باشد اشکال ندارد [اما] در اروپا که باشد اشکال دارد. این نژادپرستی به این وضوح، به این روشنی! صریحاً این جور حرف می‌زنند، صریحاً این جور اظهار میکنند. در دنیا ظلمهایی در کشورهای مطیع آنها اتفاق می‌افتد، مطلقاً صدایی از آنها بیرون نمی‌آید و در عین حال با این همه ظلم و با این همه ستمگری، با این همه ظلمت‌آفرینی ادعای حقوق بشر هم دارند و با ادعای حقوق بشر از کشورهای مستقل باج‌خواهی میکنند، باج‌گیری میکنند، تهدید میکنند؛ ملت ایران این قضایا را دارد با چشم باز می‌بیند؛ البته همه‌ی دنیا دارند مشاهده میکنند و می‌بینند و امروز به نظر ما یکی از رسواترین و فاش‌ترین مقاطع دوران معاصر در زمینه‌ی ظلم و تجاوز و استکباری است که متأسفانه طواغیت عالم در حال انجام دادن آن هستند و مردم دنیا میتوانند مستقیماً این ظلم را مشاهده کنند و ببینند که چه کسانی سرنوشت دنیا را در دست دارند!

البته ما ملت ایران شیوه‌ی کار خود را در این سالهای متمادی روزه‌روز ارتقا بخشیده و جدی و منطقی و با مبنا پیش رفته. امروز ما بیش از همیشه احتیاج داریم به کار، به تلاش، به جدیت. بیش از همه بخصوص احتیاج داریم به



همدلی، به هم‌افزایی؛ همدلی و هم‌افزایی میان ملت عزیزمان، اتحاد و اتفاق کلمه. همچنین احتیاج داریم به هم‌افزایی و همدلی روزافزون مسئولان کشور؛ باید به هم کمک کنند. کسانی هستند که در خطوط مقدم حرکت میکنند؛ دیگران باید به آنها کمک کنند، از آنها پشتیبانی کنند و قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح و دیگران در بخشهای مختلف بایستی به همدیگر کمک کنند، همدلی با هم داشته باشند و ملت هم با مسئولان کشور به معنای واقعی کلمه همدلی داشته باشد، از آنها حمایت کند و کمک کند.

خب گاهی انسان تنازعهایی مشاهده میکند بین آحاد ملت یا بین بعضی مسئولین با یکدیگر یا بین مسئولین و آحاد ملت، غالباً پوچ؛ انسان نگاه میکند، غالباً برخاسته‌ی از تخیلات و توهمات و در مواردی از بی‌تقوایی. امام (رضوان الله علیه) غالباً در آن دوره‌ی دهه‌ی ۶۰ که خب اختلافات زیادی هم بین مسئولین وجود داشت، ایشان در سخنرانی‌ها، تقریباً همیشه تکرار میکردند که این اختلافات ناشی از حبّ نفس و هوای نفس است؛ واقعاً همین جور است. خیلی از این مناقشه‌ها و از این تنازعه‌ها ناشی از حبّ به نفس و بی‌ملاحظگی و بی‌تقوایی و مانند اینها است؛ اینها را باید کنار بگذاریم و نبایستی بسیج عمومی ملت ایران را در راه‌های صلاح - چه راه‌های علمی، چه راه‌های عملی، چه راه‌های مقاومتی، چه راه‌های خدمات اجتماعی؛ در همه‌ی اینها - با این تنازعه‌ها تخریب کرد که فرمود: **وَلَا تَنَازَعُوا فِتْفَشُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ**؛ (6) که اگر تنازع کردیم، اینها پیش می‌آید.

امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال ملت ایران را روزبه‌روز دل‌شادتر، موفق‌تر و سعادت‌مندتر بکند و مسئولین دلسوز را، آن کسانی که واقعاً برای ملت دل‌میسوزانند، برای ملت می‌خواهند کار کنند، دنبال رضای الهی هستند، روزبه‌روز توفیقاتشان را افزایش بدهد و به آنها کمک کند و ان شاء الله همه‌ی شما عزیزان، همه‌ی ملت ایران مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) باشید و خداوند ان شاء الله روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائش محشور کند؛ ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز را و شهدای برجسته‌ی کشور را - [هر چند] آحاد شهدا، همه‌ی شهدا برجسته‌اند؛ بنده می‌خوانم احوال و آثار شهدای مختلف را؛ کسانی که نام اینها را هم خیلی‌ها نشنیده‌اند، انسان می‌بیند واقعاً انسانهای برجسته‌ای هستند - خدا ان شاء الله با شهدای صدر اسلام محشور کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

(۱) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۳ (زیارت آل یاسین)

(۲) بیانات پس از غرس دو اصله نهال در روز درختکاری (۱۴۰۰/۱۲/۱۵)

(۳) بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در مشهد مقدّس (۱۳۸۸/۱/۱)

(۴) از جمله، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۴/۶/۴)

(۵) سخنرانی تلویزیونی به مناسبت اولین روز سال ۱۴۰۰ (۱۴۰۰/۱/۱)

(۶) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۴۶؛ «... و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود ...»